



هر که نافرمانی کند خدا و رسول او را و تجاوز کند از حد های مقرر کرده او در آتش دوزخ جاویدان در آن و برای از او است عذاب در ناک .

(سوره النساء، آیه 14)

## ملاقات وزیر عدلیه با سفیر هالند



وی اضافه نمود: خواهش من از نهاد های که در بخش های حاکمیت قانون، حکومت داری خوب و عدلی و قضایی کار میکنند اینست که آنها بسین خود یک هماهنگی ایجاد کنند و پروگرام های واحدی را ترتیب نمایند که موثریت بیشتر داشته و از تکرار برنامه ها جلوگیری شود. زیرا اگر هر کدام به صورت جداگانه فعالیت نمایند ممکن است

برنامه ها به صورت تکراری توسط دونه های مختلف اجرا شود و موثریت چندانی هم نداشته باشند. و پیشنهاد من اینست که اگر دونه ها با ما کمک نمایند و در همین نهاد های چهارگانه (پولیس، قضا، و خزانو الوی وزارت عدلیه) کورس های دایمی و مستمر را در داخل خود ارگان ها ایجاد نمایند که آنها خودشان کورس های دایمی را به درجات مختلف ایجاد نمایند و مامورین خود را به صورت نویستی و صف وار درین کورس ها معرفی نموده و آموزش دهند تا موثریت بیشتر داشته باشد.

وزیر عدلیه همچنان از دونه های بسین المللی خواست که در ساختن زیرسناه ها هم با ارگان های عدلی و قضایی همکاری نمایند زیرا وجود یک محل مناسب کاری مستقیماً متناسب است به ارائه خدمات که ما به مردم ارائه مینماییم و این زیرسناه ها برای یک مدت طولانی نیازمندی ادارات ما را مرفوع میسازد. در اخیر سفیر هالند وعده نمود که در بخش های یاد شده با وزارت عدلیه همکاری خواهد نمود.

اولویت های کاری ما را درین عرصه تشکیل میدهد و نیاز به کمک های همکاران بسین المللی درین عرصه داریم، که با ما همکاری نمایند تا این بخش ها را تقویه نماییم. زیرا قانون است که نظم و عدالت را در شرایط امروزی آن در جامعه تامین می نماید، اگر قانون به صورت سالم تطبیق شود و هدف قانون گذار برآورده شود، در آن صورت عدالت در جامعه تامین خواهد شد. حاکمیت قانون، حکومت داری خوب، امنیت و بسیاری از مسایل دیگر همه به تطبیق سالم قانون و سلامت خود قانون گذار ارتباط دارد.

بنای بخش قانونگذاری و تحقیقات علمی باید تقویه شوند تا قوانین به صورت درست و مطابق فرهنگ، خوسته ها و شرایط محیطی مردم ما ساخته شوند و مردم به میل خود آنرا پذیرفته و بالای خود تطبیق نمایند. وی همچنان افزود: یکی از مشکلات دیگر ما در عرصه قانون گذاری کمبود کدر های مسلکی است زیرا در سه دهه گذشته در اثر جنگ های داخلی بسیاری از کدر های مسلکی ما یا از بین رفتند، یا مهاجر شدند و یا هم به اثر کجولت سن دیگر قادر به کار نیستند بنای آن لحاظ پرسونل مسلکی تطبیق شدیدی و نیاز به تربیه کدر های مسلکی داریم.

خارنیه حبیب الله غالب وزیر عدلیه دولت جمهوری اسلامی افغانستان روز سه شنبه ۱۳۹۱/۱۲/۲۲ با آقای هان پیترس سفیر هالند مقیم افغانستان در دفتر کارش ملاقات نمود.

ابتدا سفیر هالند از کمک های آن کشور با افغانستان یاد آوری نموده فرمود: دولت هالند سالانه هفتاد میلیون یورو را در افغانستان در بخش های انکشافی به مصرف میرساند که عمدتاً در سه بخش (زراعت، حاکمیت قانون و حکومت داری خوب) به مصرف میرسد و یکی از برنامه های ما درین عرصه بسیرنامه آموزش پولیس در ولایت کندهار است که در عین زمان به علاوه آموزش پولیس، قضات و کاروانان را نیز در آنجا آموزش میدهم. که در واقع تمام زنجیره عدلی و قضایی را در بر میگیرد. بنای با مسایل عدلی و قضایی افغانستان ارتباط نزدیک داشته و بسیار علاقه مندیم که درین بخش کار نمایم و از وزیر عدلیه خواست که اولویت های کاری شانرا درین عرصه بیان نمایند. وزیر عدلیه در پاسخ گفت: تدویر کورس های متداول و طولی مدت برای کارمندان مسلکی، تقویه بخش های قانونگذاری، تحقیقات علمی و واحد ترجمه که مستاد های تقنینی را به زبان های ملی کشور ما ترجمه مینمایند.

## د قانون په رڼا کې د حجر حکم

نوع حکمونه محمد عارف صاحب

که محکمی یو شخص د سفاقت یا غفلت په سبب د مالونو په اداره کښی په حجر محکوم کړی وی، محکمه کولی شی چه د بوی حصی مالونو اداره د حجر کړی شوی په وسیله مجاز کړی. په پورتنی صورت کښی د هغه اهلیت نقصان لرونکی بوری مربوط حکمونه چه د مالونو په اداره کولو کښی ورته اجازه کړی شوی وی تطبیقېږی.

لیونی، لیونی د هر ډول تصرف څخه د آیت او غونډی پر دلیل محجور (ایسار) شویدی. که دهغه لیونتوب دایمی وی یا دوره یی شکل ولری، خو که دوره یی لیونتوب دهغه دروغوالی په دوران کی تصرف وکړ، نا فذ په لیره کولو حکم نه وی کړی. محکمه به ددی قانون د درج شورو حکمونو سره سم د هغه شخص د مالونو د اداری د پاره چه حجر کړی شوی دی قیم تاکی د حجر شوی د پالنی مصرفونه د تولو مصرفونو څخه وړاندی گڼل کېږی.

حجر د حا په زیر او د جیم پر سکون په لغت کی د منعی سر معنا دی. څکه د خدای تعالی قول د فرقان د سورت په ۲۲ آیت کی راغلی دی: (ویقولون حجرأ محجورا) یعنی او وایپه بشپړه توگه یی برخی او ایسار شوی. او په شرع کی یو سسری دی چی په تولو کی د تصرف یا له ماله یی له بوی برخی ایسار شوی وی. او د حجر انگیزی چی موږ له هغو څخه خبری کوو څلور دی: لیونتوب، ماشوم توب، بی عقلتوب، نیستی.

خرنگه چی د مدنی قانون په (۳۱۹) ماده کی وپیل شوی دی،  
- بالغ شخص د لیونتوب، معنویت، سفاقت یا غفلت په سبب په حجر محکومېږی او تر هغه وخته دوام کوی چه محکمی د هغی په لیره کولو حکم نه وی کړی.  
- محکمه به ددی قانون د درج شورو حکمونو سره سم د هغه شخص د مالونو د اداری د پاره چه حجر کړی شوی دی قیم تاکی د حجر شوی د پالنی مصرفونه د تولو مصرفونو څخه وړاندی گڼل کېږی.

## استیناف خواهی

نوع و نظرش درنده هفتالی

فیصله های محاکم شهری، ناحیوی، ولسوالی و علاقه داری که به اساس اسباب اقرار مدعی یا مدعی علیه یا وثیقه مدار حکم از اقرار مدعی و مدعی علیه و موث شان یا ابرای شرعی مبتنی باشد، غیر قابل استیناف است محکمه فوقانی در این موارد به رد استیناف طلبی تصمیم اتخاذ می نماید و نایق شبهه از این حکم مستثنی است. هکذا مندرجات ماده ۵۳ قانون تشکیلات و صلاحیت محاکم در بند های ۳ و ۴ مقرر می دارد که اگر ارزش مدعی به تا صد هزار افغانی باشد و نیز حکم به مجازات نقدی تا پنجاه هزار افغانی (در مسائل جزایی) قطعی و غیر قابل استیناف می باشد در واقع بند های که در ماده مزبور ذکر شده به حکم قطعی بوده و قابلیت استیناف خواهی را ندارد صراحت ماده متذکره را ذیلاً مطالعه می کنیم: "احکام صادره محاکم ابتدایه در موارد آتی قطعی می باشد: ۱- اقصای طرفین دعوی به حکم صادره. ۲- اقصای میعاد استیناف طلبی. ۳- صورتیکه ارزش مدعی بسها الی یکصد هزار افغانی باشد. ۴- حکم به مجازات نقدی الی پنجاه هزار افغانی. ۵- سایر مواردی که در قوانین پیشینی گردیده است."

همچنان بر حسب ماده ۳۶۵ قانون اصول محاکمات مدنی تمام شدن میعاد استیناف طلبی نیز یکی از موارد است که قابلیت استیناف خواهی را ندارد چنانکه صراحتاً ماده فوق را ذیلاً مطالعه می کنیم: "میعاد تقدیم شکایت و اعتراض بعد از صدور حکم ابلاغ آن مدت یک ماه است."

بشر جایز الخطا بوده و ممکن قضات خوب نیز دچار اشتباه و لغزش شوند. لهذا باید مقرر شود که هر دعوا بتواند دوبار مورد قضاوت قضات قرار گیرد. استیناف به معنای از سر گرفتن می باشد اما در اصطلاح حقوقی استیناف عبارت از شکایت از حکم و قرار که در مرحله رسیدگی نخستین صادر شده می باشد در واقع شکایت برای بار دوم است. نکته قابل توجه این است که قانون اصول محاکمات مدنی شکایت از حکم محکمه ابتدایی را استیناف خواهی نامیده است چنانکه باب سوم این قانون اختصاص به شکایت و اعتراض بر حکم محکمه ابتدایی دارد. همچنین ماده ۳۵۸ قانون مزبور در مورد ححق اعتراض اصحاب دعوا ذیلاً تصریح می دارد: "شکایت و اعتراض عبارت از حق محکوم علیه غیر قانع از فیصله محکمه تحاتی است که با تقدیم شکایت علیه اجراء قضایی محکمه حاکمه از محکمه بالاتر مطالبه می گردد." طبق این ماده محکوم علیه و یا متضرر که از حکم صادره ناراضی است می تواند به محکمه بالاتر عریضه استیناف خواهی ارائه کند. احکام غیر قابل استیناف خواهی:

احکام از محاکم تحاتی (ابتدایه) صادر می شود اما اینکه از چه حکمی متضرر می تواند در خواست استیناف خواهی ارائه نماید ذیلاً اشاره می نمایم: احکام مستند به اقرار و ابرای شرعی غیر قابل استیناف بوده چنانکه ماده ۵۰۳ قانون اصول محاکمات مدنی در زمینه چنین مشعر است:



## استیناف خواهی

هکذا قرار داد عدم اعتراض بسین دو طرف از جمله مورد است که قابلیت استیناف طلایی را ندارد. احکام قابل استیناف:

به هر حال به مقررات استیناف خواهی در قانون اصول محاکمات مدنی افغانستان از ماده ۳۵۸ الی ۴۲۹ تذکر داده شده است و از مجموع این مقررات این طور می توان استنباط نمود که چیزیکه برای تقدیم در خواست اعتراض اهمیت دارد این است که نخست میزان مدعی به مد نظر باشد، ثنیا معترض باید دارای صلاحیت و اهلیت و ذینفع در قضیه باشد. ثالثا اعتراض باید در موعد قانونی صورت گرفته باشد. بسا نظر داشت ماده ۳۷۷ قانون اصول محاکمات مدنی اعتراض مفصل شاکي بعد از تقدیم شکایت در ظرف بیست روز ارائه می گردد. حسب مقررات قانون اصول محاکمات مدنی هر آنچه که در رسیدگی ابتدایی لازم است مانند عریضه، نحوه صدور حکم و... در رسیدگی به شکایت و اعتراض نیز باید همان مقررات رعایت شود.

در کشور ما شکایت تحریری یا اعتراض در موقع درخواست استیناف خواهی حاوی مطالب ذیل است: صراحت ماده ۳۷۸ قانون اصول محاکمات مدنی در زمینه احکام آتی را پیش بینی نموده است: شکایت تحریری یا اعتراض مفصل حاوی مطالب ذیل است:

۱- اسم محکمه مرجع شکایت یا اعتراض.  
۲- شهرت شاکي یا اعتراض کننده.  
۳- فشرده فیصله موضوع شکایت یا اعتراض.  
۴- اسم محکمه صادر کننده فیصله مورد اعتراض.  
۵- دلایل عدم صحت فیصله.  
۶- مطالبه شاکي یا اعتراض کننده.  
۷- فهرست اوراق و اسناد منضمه شکایت یا اعتراض.

در کشور ما بر خلاف سایر کشورها، نظر به مندرجات ماده ۳۸۹ و ۴۱۸ قانون اصول محاکمات مدنی، حضور اصحاب دعوی در جلسه رسیدگی به محکمه الزامی می باشد چون که ممکن است محکمه استیناف نیاز به توضیح آنها داشته باشد. همچنان در کشور ما در استیناف خواهی طبق ماده ۳۸۹ قانون اصول محاکمات مدنی، محکمه برای قبول استیناف خواهی، محدود به موارد شکایت شده در عریضه استینافی نمی باشد بلکه در بخشهای که علیه آنها شکایت و اعتراض صورت نگرفته است نیز محکمه استیناف قانونیت و مدال بوده حکم را مورد بررسی قرار می دهد. چنانچه ماده مزبور ذیلا تصریح می دارد:

(۱) محکمه فوقانی حسین رسیدگی قضیه نظر به دلایل موجود و دلایلی که توسط جانبین یا شاملین دیگر قضیه ارائه گردیده است قانونیت و مدال بودن فیصله محکمه تحتانی را در بخش های شکایت شده و در بخش های که علیه آنها شکایت موجود نیست و نیز به ارتباط اشخاصیکه شکایت تقدیم نموده اند ارزیابی می کند.

(۲) محکمه در ارزیابی همه جنبه قضیه تابع دلایل شکایت و اعتراض نبوده صرف آنرا وسیله رسیدگی می داند.

در حالیکه استیناف خواهی در اکثر کشورها به این مفهوم است که به اعتراض و شکایت فقط در محدوده ای که استیناف طلایی شده است رسیدگی صورت می گیرد اما در افغانستان این امر فراتر از محدوده مورد شکایت شده و حتی در بخش هایکه مورد اعتراض نیست نیز توسط محکمه استیناف بررسی همه جنبه صورت می پذیرد.

به اساس مندرجات ماده ۴۱۸ قانون اصول محاکمات مدنی می توان گفت که هر گاه شاکي یا معترض اعتراض و شکایت خود را در معاد معینه تقدیم و خود بدون اطلاع و عذر موجه به محکمه فوقانی حاضر نشود محکمه تصمیم خود را مبنی بر سقوط حقیق شکایت یا اعتراض صادر و تصمیم محکمه بعد از ثبت در دفتر به مراجع مربوط ابلاغ می گردد.

### دلایل و اسباب استیناف خواهی:

مقصود از استیناف خواهی رسیدن به هدفی است که استیناف طلب و یا محکوم علیه تصور میکند که به این وسیله حکم محکمه تحتانی را اصلاح می نماید صراحت ماده ۳۶۱ قانون اصول محاکمات مدنی را در مورد ذیلا مطالعه می کنیم: شکایت و اعتراض علیه احکام نهایی محاکم تحتانی در موارد ذیل صورت می گیرد:

۱- خطا در تطبیق احکام قانونی.  
۲- خطا در تاویل احکام قانونی.  
۳- بطلان در اجراءات به دلیل صدور حکم غیر قانونی.

هکذا ماده ۳۹۹ قانون اصول محاکمات مدنی اسباب بطلان فیصله قرار ذیل شمرده است:

۱- فقدان ارکان قضایی.  
۲- عدم صلاحیت یکی از طرفین دعوی بسرای مخاصمه.  
۳- صدور فیصله قضایی غیر محتمل الثبوت و یا مخالف واقعیت عینی راجع به مدعی بها.  
۴- صدور فیصله از طرف هیات قضایی فاقد صلاحیت.

۵- صدور فیصله از طرف محکمه فاقد صلاحیت. همچنین موارد نقض فیصله در ماده ۴۰۰ قانون اصول محاکمات مدنی قرار ذیل می باشد:

۱- مدلل نبودن فیصله.  
۲- عدم توضیح حالاتیکه برای روشن شدن قضیه اهمیت دارد.

۳- عدم مطابقت دلایک مندرج فیصله با حالات قضیه.

۴- عدم استفاده درست از احکام قوانین.  
۵- صدور فیصله به ترک خصوصت به علت عدم حضور مدعی.

۶- تسلسل تخطی های که قانونا موجب نقض فیصله شده بنوانند.

ماده ۳۹۹ و ۴۰۰ قانون متذکره بین بطلان و نقض حکم تفاوت قایل شده است این تفاوت به این نحو قابل توجیه می باشد که اگر حکم محکمه ابتدائیه مواجه با بطلان شود مطابق فقره ۱ ماده ۳۹۸ قانون اصول محاکمات مدنی (ارسال قضیه به محکمه ذیصلاح به منظور رسیدگی مجدد در صورت بطلان فیصله محکمه تحتانی) و ماده ۴۲۹ قانون اصول محاکمات مدنی (هر گاه فیصله نهایی محکمه تحتانی به بطلان مواجه شود قضیه غرض رسیدگی مجدد به محکمه ذیصلاح احاله می گردد.) به منظور فیصله مجدد و قانونی، دوسیه به محکمه ابتدائیه مسترد می شود. ولی اگر حکم محکمه ابتدائیه مواجه با نقض شد، طبق فقره ۲ ماده ۳۹۸ قانون اصول محاکمات مدنی (اقدام به صدور فیصله جدید در صورت نقض فیصله محکمه تحتانی یا در صورت ضرورت راجع قضیه به محکمه حاکمه به منظور گرد آوری دلایل و تحقیقات مزید جهت رسیدگی مجدد.) محکمه استیناف اقدام به صدور فیصله جدید می نماید.

به هر صورت نقض، بطلان و تأیید فیصله ها و قرار های محاکم ابتدائیه، توسط دیوانهای مربوط محکمه استیناف صورت می گیرد. دیوانهای محکمه استیناف با صدور قرار قضایی فیصله های و قرار های تحتانی را در داخل صلاحیتهای حوزوی و موضوعی نقض، باطل و یا تأیید می نمایند.

که در زمینه ماده ۴۰۱ و ۴۰۲ قانون اصول محاکمات مدنی چنین تصریح می دارد: تأیید محاکم فوقانی از فیصله های محاکم تحتانی توسط قرار صورت می گیرد. (ماده ۴۰۱ قانون مزبور.) ماده ۴۰۲ "تصمیم محکمه فوقانی در مورد نقض بشکل قرار صادر و قرار مذکور شامل مطالب ذیل می باشد:

۱- تاریخ و محل اصدار قرار.  
۲- اسم محکمه صادر کننده قرار.  
۳- ترکیب هیات قضایی.  
۴- شهرت سازنوال مدنی و شاملین رسیدگی قضیه.

۵- شهرت شخص تقدیم کننده شکایت یا اعتراض. متن مختصر فیصله محکمه تحتانی.

۶- متن مختصر فیصله محکمه ارائه شده.  
۷- متن مختصر فیصله محکمه ارائه شده.

۸- توضیحات اشخاص شامل رسیدگی قضیه در محکمه.

۹- عوامل تحریک دعوی مدنی و نتیجه گیری محکمه.

۱۰- قانون مورد استناد محکمه.  
۱۱- تصمیم هیات قضایی مبنی بر نقض فیصله.

صلاحیتهای دیوان محکمه استیناف:

همانطوریکه متذکر شدیم محکمه استیناف در رسیدگی های خود صلاحیت بطلان، نقض و تأیید فیصله محکمه تحتانی را دارد اینک به موارد مذکور ذیلا اشاره می نماییم:

۱- دیوان مربوط محکمه استیناف فیصله محکمه تحتانی را طبق حکم فقره ۱ ماده ۳۹۸ قانون اصول محاکمات مدنی باطل می سازد.

۲- دیوان مربوط محکمه استیناف فیصله یا قرار محکمه تحتانی را طبق حکم فقره ۲ ماده ۳۹۸ و فقره ۳ و ۴ ماده ۴۰۹ قانون اصول محاکمات مدنی نقض می کند.

### د قانون په رڼا کې...

۳- دیوان مربوط محکمه استیناف در صورت نقض حکم محکمه تحتانی، موضوعی که ایجاب تحقیقات مزید را نمایند، طبق حکم فقره ۲ ماده ۳۹۸ قانون اصول محاکمات مدنی مجددا رسیدگی نموده و فیصله شرعی صادر می کند.

۴- دیوان مربوط محکمه استیناف فیصله یا قرار محکمه تحتانی را طبق فقره ۴ ماده ۳۹۸ و فقره ۱ ماده ۴۰۹ قانون اصول محاکمات مدنی تأیید می کند.

۵- دیوان مربوط محکمه استیناف فیصله یا قرار را که تحت انتضای معاد قرار می گیرد، طبق حکم ماده ۴۱۲ قانون اصول محاکمات مدنی به سقوط حق شکایت قرار صادر می نماید.

۶- دیوان مربوط محکمه استیناف فیصله و قرارهای محاکم تحتانی را که دارای نواقص عددی و ارقامی بوده و غاری از موارد نقض و بطلان باشد، طبق حکم فقره ۳ ماده ۳۹۸ قانون اصول محاکمات مدنی جهت استنترک نقصان و اصلاح به محکمه تحتانی اعاده می نماید.

### بطلان فیصله محکمه تحتانی:

در صورتیکه نتیجه غور و بررسی دیوان های محکمه مربوط استیناف ظاهر گردد که فیصله محکمه تحتانی دارای موارد و اسباب بطلان مندرج ماده ۳۹۹ قانون اصول محاکمات مدنی می باشد، فیصله را به اساس فقره ۱ ماده ۳۹۸ قانون اصول محاکمات مدنی باطل می سازد.

ماده ۳۹۹ قانون اصول محاکمات مدنی چنین صراحت دارد: اسباب بطلان فیصله قرار ذیل است:

۱- فقدان ارکان اساسی قضا در فیصله.  
۲- عدم صلاحیت یکی از طرفین دعوی بسرای مخاصمه.

۳- صدور فیصله قضایی غیر محتمل الثبوت و یا مخالف واقعیت عینی راجع به مدعی بها.

۴- صدور فیصله از طرف هیات قضایی فاقد صلاحیت.

۵- صدور فیصله از طرف محکمه فاقد صلاحیت. ادامه در شماره بعد

نه د هغه پر صحت کې، پر همدی اساس اصل د عقد پر له مینځه تلو کې دی پرله وینا که شک د عقد پر صحت کې د عقد پر وخت عقد د شک لرونکی، و مخکینی حالت ته ورگرځو او هماغسی بریږدو لکه څنګه چې تر عقد دمخه و.

بی هڅه او ځمار د لیونې په حکم کې راځي؛ که کومه پنځه له یوه لیونې سره د یو ځای کیدو له امله امیدواره شوه. اولاد د لیونې بلل کېږي او له هري خوا لکه شکمن اولاد داسی دی.

که لیونې یا ماشوم پردی مال د هغه د اجازه پرته له مینځه یوسسی د دواړو پ غاړه دی، ځکه ضمان له هغوی وضعیه حکمو یو دی، چې په هغه کې عقل او بلوغ شرط نه دی، په همدی اساس که یو مال ولی په خپل لاس کې درلود له هغه دی وغواړي، او که نه نو د مال څښتن باید صبر وکړي ترڅو لیونې جوړ شي او ماشوم بالغ شي او خپل حق له هغه دوو څخه وغواړي.

د کتې او تاوان پیژندونکی ماشوم؛ د کتې یا تاوان پیژندونکی هغه څوک دی چې همدا اوس د کتې او تاوان په پیژندنې سره وسمن وی او هم رانیول له اجاری او معاملی، چه په سود سره وی له بی سوده سره پر تله کړي احسانو ویلی دی: د هونیار ماشوم تصرفات که د هغه له پاره په ګټه وو، د ولی د اجازه پرته روا دی، لکه د وصیت منل، بسنیل او موقوفونه چې بسدل ونه لری خو هغه تصرفات چې د تاوان او کتې احتمال پکښې وی د ولی د اجازه پرته صحیح نده له پیرل، پلورل، رهن، اجازه او عاریزه خود معمولی ماشوم تصرف په هیڅ نامه صحیح نده که ولی اجازه ورته ورکړی یانه، او د هغه تصرف په لږ او ډیرور کښی یو ډول دی.

د ماشوم په لاسی کار باندی د خطا حکم دی، که ماشوم یو څوک مر یا ټپي کړ یا یی د هغه کومه عضوه پری کره لکه لیونې په هېڅ ډول نه قصاصیږي ځکه هغه د یتوی او آخروی عقوبت اهل ندی، او په حدیث کې دی چې د ماشوم د قصدی کار حکم خطا، ده او په هغه کی د مذهسونو هېڅ مخالفت نشته خو په عاقله دیت کی باید هغه ته دیت ورکړی شي، وروستی برخه ادامه لری



### د زنا پاره شرعی حد

### شراب از منظر شریعت اسلام

مسلمان شيطان جز نشر قحشا، منكر و اعمال نادرست نمي خواهد. لذا خداوند از مسلمانان درخواست نموده كه از آنها دوري نمايند و اين دوري را باعث نجات آنان قرار داده است و صراحتاً مضار اجتماعي و روحی آنها بيان نموده كه كينه و عداوت بين افراد جامعه ايجاد مي نمايد و انسان را از واجبات ديني و ارتباط معنوي با خدا و ذكر و نماز باز مي دارد و پس از اين ترحيم اكيد خداوند آيا شما دست بر نمي داريد:

آيا مي دانيد اصحاب پيامبر (ص) در مقابل اين بيان و دستور قاطع چه چوليبي دادند؟ گفتند: پروردگارا دست برداشتم، راستي كه در موقعيت حساسي كه با تزلزل اين امر به روستي آمده بود، مسلمانان عكس العمل عجيب و خارق العاده اي از خود نشان دادند؛ كساني كه پياله در دست داشتند و قسمتي از شراب آن را نوشيده بودند به محض اين كه آيه هاي فوق را شنيدند از دهان دور كردند و به زمين انداختند.

البته دولتها و حكومتها به زبان و عواقب سوء شراب در جامعه و خانواده ها و ايجاد كينه و عداوت بين مردم باور دارند و بعضي كشور ها كوشيدند تا نيروي قانون و زور از آن جلوگيري نمايند؛ ولي در اين اقدام ششان موفق كامل نشدند در حاليكه اسلام با نيروي ايمان توانسته كه پيروان واقعي خود را از اين بلاي خاتمان سوز نجات دهد و در مبارزه عليه آن پيروز شود.

علمای مسیحی در مورد اینکه شراب تردین مسیح چه حکمی دارد با هم اختلاف نظر دارند. بعضی براین باورند که در انجیل آمده است که مقدار کم آن برای معده مفید است.

هر چیزی که مست کننده باشد شراب است همین که این دو آیه نازل گردید، پيامبر بدون توجه به این که شراب از چه ماده ای درست می شود اعلام فرمود هر ماده مست کننده ای حرام است. شارع مقدس آن را به خاطر اثر نامطلوبش که مست کردن انسان است حرام نموده است نه به خاطر این که از انگور یا ماده دیگری درست شده است، بنابراین هر مسکری از قبیل عرق و غیره حرام است. از پيامبر درباره شرابهایی که از غسل، ذرت و وجود درست می شدند سوال شد، پيامبر با این جمله جواب قاطع فرمود: «هر مستکننده ای شراب است» و هر شرابی حرام است

طوری که قبل از اشاره شد دید گاه اسلام در این مورد بسیار قاطع و روشن بوده و هیچ ابهامی را باقی نگذاشته است و در این مورد نیز به اندازه مقدار آن توجه نکرده است که مقدار زیاد آن حرام و مقدار کمش حلال باشد بلکه اساساً شراب چه کم باشد و چه زیاد حرام نموده و اجازه نداده است که کسی خود را به این ماده مضر ملوث سازد. چنانچه روی این ملحوظ پيامبر (ص) ارشاد فرموده است:

( هر شرابی که مقدار زیاد آن مست کننده باشد مقدار کمش نیز حرام است)

همچنین پيامبر (ص) می فرماید: (شرابی که یک خمره آن مست کننده باشد یک مشت از آن نیز حرام است.) خرید و فروش شراب:

پيامبر تنها به ترحيم نوشيدن شراب هر چند مقدارش کم باشد اکتفا نموده بلکه معامله و خرید و فروش آن را نیز حرام نموده است حتی اگر اين معامله با غیر مسلمان انجام گردد. بر مسلمان حرام است که به عنوان صادر یا وارد کننده آن تجارت نماید و یا ملک خود را به کسی دهد که در آن شراب بفرودد و یا عامل دیگران در ملک خود باشد به همین خاطر است که پيامبر در رابطه با شراب ده نفر را لعن کرده است:

اول سازنده شراب، دوم: کسی که برایش ساخته می شود، سوم: کسی که آنرا می فروشد، چهارم: کسی که آن را به جایی حمل می کند، پنجم: کسی که شراب برایش برده می شود، ششم: کسی که به عنوان ساقی آن را به دیگران تعارف می کند، هفتم: کسی که آن را خریداری می نماید، هشتم: کسی که بول آن را خرج می کند، نهم: مشتری شراب، دهم: کسی که شراب برایش خریداری می شود. (ترمذی و ابان ماجه)

که (زانی او مزنیه) قرار کی یؤی لوم ی امام لو بیا خلک بری ویشتل بیلوی به بری ویشتل شوری شخص پریمذ لکی ی اوگن ورته و رکول کی ی او دجنزای لومذ ی وینل کی ی اسلام ی شریعت دهقی (زانی - او مزنیه) پیاچه

باکروه وی یعنی واده ی نوی کی ی سل (دوری) اگلی که دوری نوی په فته د زنا اخته شوی امید شته چ په دی دوروی په و هوسره زانی او مزنیه او همدارن ۴ نوره ولته بند واخلی اوله دی بدعمل خه ۲ن و غوری که دوری حال نسبت واده شوی زنا کوونکی ته دوری دی چ اصلاح او د ترحم و دی، نویدی لحاظ د دوری جزا که ده او بیخی له می ۴ و و ته ضرورت نشته په دی هکله به قرآن کریم کی الله تعالی داسی فرمای: ترجمه: «زناکاره ۴ او زناکاره ۴ ی په دوا وکی ی هر یو سل نوره ووهی، او ستاسو په دی دوا و بانذی الله تعالی په حکم چلو وکی ی هر ویره نه را ی، که چری ستاسو په الله تعالی او د قیامت په ور با نولری ی ویکاردی چه دی دوا و توتو سزاته د مسلمانانو ی ولی حاضر (ولا ی)، (۲) ایت (النور) سوره

که چیری زنا کوونکی (زانی او مزنیه) غلامی او واده ی نوی کی ی وین دوروی که کی ی که چیری مخکی له دینه چی دور ووهل شوری قرار کوونکی دخیل اقرار خه و ت لوانگرنی رامید ته که ۴ او یا دهغه په مابین کی او ت، (او تلی مثل شوی دی) او دهغه لاره خلاسه (آزاد) پری و دل کی ی امام ته مستحب ده چی هغه د اقرار خه او هوی او ورته وواپی دهغه به دی کلی او یا لمس کی ی وی.

په درناوی تتبع اولیکوونکی: وحید الله، و فاه، مالخ، ۱- فقرت کریم، ۲- کتاب الحدود، ۳- عمده الاحکام، ۴- د حقوق.

### اصطلاحات حقوقی

**شرط صحت رهن:** شروط قانونی که در مورد قبض، نگهداشت و تصرف در ملک مرهونه، ضمن عقد رهن بین هر دو جانب تعهد میگردد.

**شرط صحت کفالت:** شرطی که در خصوصی موضع کفالت و توانمندی تسلیمی آن، از جانب کفیل در عقد کفالت تهد میگردد.

**شرط صریح:** شرطی که بطور واضح و بلاشائبه، در انعقاد یک عقد وضاحت یافته باشد.

**شرط عدم مسوولیت:** شرطی که طرفین معامله یا یکی از آنها مقرر مینمایند که نسبت به زیانهای احتمالی هیچ مسوولیتی نداشته باشند.

**شرط فاسد:** شرطی که، عقد مقتضی آن نبوده، در مقام تاکید عقد مقرر نگردیده باشد.

**شرط فعل:** شرطی دارای اثرات حقوقی که در ضمن عقد، انجام یا ترک عملی را بر یکی از طرفین معامله یا بر شخصی دیگری میگذارد.

**شرط لاحق:** شرطی که در موضوع مورد توافق شرط اصلی را تکمیل مینماید.

**شرط لزوم:** شرطی که استمرار و بقای عقد بر آن متوقف باشد.

**شرط محض:** شرط محض شرطی که خارج از اراده شخص مکلف باشد.

**شرط مقتضی:** شری که موافق به مقتضای عقد و یا در مقام تاکید آن باشد و یا اینکه شرط آنرا مقرر نموده و یا هم در عرف قابل تعاملی باشد

**شراب خمر:** استعمال مشروبات الکولی

**شرط:** امر محتمل الوقوع در آینده که طرفین عقد یا ایقاع کننده و یا یکی از آن ها، حدوث اثر حقوقی عقد یا ایقاع را (کلاً یا قسماً) متوقف به حدوث آن نماید.

**شرط باطل:** شرط خلاف قوانینی و مقررات

**شرط تقسیم مال مشاع:** مال مشاع در صورتی بین شرکا تقسیم میگردد که قابلیت تقسی را داشته و درین صورت، استفاده مطلوب از آن، از بین نرود

**شرط جرمی:** آنست که وجود فعل دیگری را، احداث کننده جرم گردانیده باشد.

**شرط جعلی:** شرطی که، عاقد آن را جهت نیل به هدف خاص در عقد نظر می گذارد.

**شرط حقیقی:** شرطی که در واقع وجود شی متوقف بر وجود آن باشد.

**شرط رجوع از هبه:** واهب در صورت موافقه و عدم موافقه موهوب له، بنا بر داشتن عذر معقول میتواند به اجازه محکمه از هبه رجوع نماید.

**شرط شرعی:** شرطی که توسط شرع مقرر گردیده و بدون موجودیت آن، عقد معتقد نمیکرد.

**شرط صحت:** شرطی که تحقق آن در عقد، به منظور تولید نتیجه حقوقی، لازمی بوده و عدم آن منتج به بطلان عقد میگردد.

**شرط صحت حواله:** رضایت حواله دهنده و حواله گیرنده و شخص حواله داده شده.





# Agahi Hoquqi

Ministry of Justice's Publication Organ

صاحب امتیاز: وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان  
 تحت نظر: هیئت تحریر  
 سر دبیر: دردانه فضالی  
 هیأت تحریر: عبدالرحمن عظیمی، فیض الله خواجه امانی، گلالی سنگر خیل عزیز، دوست محمد عارف شفیق الله نبی زاده و محمد عارف صباح  
 دیزاینر: سید عابد مخمور seyed\_abid@yahoo.com  
 گزارشگر: بشیر احمد عزیز  
 آدرس: کابل وزارت عدلیه ریاست عمومی مساعدتهای حقوقی  
 آدرس انترنیتی: www.moj.gov.af پست الکترونیکی agahi.hoquqi@gmail.com  
 شماره تماس: 93+(0) 700 034 33893+(0) 0752 042 275

سال ششم \* شماره 117 \* 30 حوت 1391 \* 20 \* 2013 \* march

## ملاقات وزیر عدلیه با رئیس سازمان بین المللی انکشاف حقوق (آیدلو)



تا قوانین کشور های همسایه و کشور های منطقه و سایر کشور های جهان مطالعه شود که در پرتو رهنمود های آنها قوانین ما ساخته شوند.

بعدها خانم آیرین خان از کمک های آن سازمان در کنیا، سودان جنوبی و سومالیای یادآوری نموده گفت که ما در هر کشور کمک های خود را در چوکات سیستم حقوقی ملی آن کشور عیار میسازیم مثلاً در کشور کنیا زمانی که خواستند که قانون شانرا در پرتو قانون شرعی عیار سازند ما در بخش قوانین شرعی متخصصین را برای آنها استخدام کردیم و به همین قسم در سودان جنوبی زمانی که خواستند قوانین شانرا با قوانین انگلیسی عیار بسازند ما متخصصین همان سیستم را برای شان استخدام کردیم یعنی میخواهیم که کمک های ما مرتبط باشد با سیستم حقوقی ملی هر کشور تا کمک ها موثریت بیشتر داشته باشند.

در اخیر وزیر عدلیه پیشنهاد نمود که به جای کورس های قصیرالمدت که موثریت چندانی ندارد کورس های طویل المدت را دایر نمایند و در هر وزارت یک نهاد ایجاد شود که به هر سطح کارمندان مسلکی را به شکل متناوب مورد آموزش قرار بدهند و گروه ها به قسم نوبت وار درس های شانرا به سطح بالاتر و بالاتر فرا بگیرند تا اینکه ما قادر شویم که متخصصین خود را تربیه نمایم که درین مورد مایک فیننت رئیس برنامه انتقال آموزش های حقوقی اطمینان داد که مریسون افغان را تربیه نموده تا خودشان در آینده بتوانند متخصصین را مورد آموزش قرار بدهند و همچنان وعده نمود که در آینده کورس های طویل المدت را در نظر خواهند گرفت.

## د زنا لپاره شرعی حد

سرزیه:  
 اسلامی اوضعی قانون ددی لپاره چ د ولنی لپاره دیشر لویشریت ته ضرورونه رسو ید زنا لپاره د (خود) اکلنی که دزنا نه برسیره له جرم نه اخروی ناه نه بلکه دوه نورئ سخت او مهم ضرورنه بشریت ته رسیدونکی دی چی یون د (بیا) مرض یعنی (کلور) ده په مخکنی اصطلاح سره او یاد او ز مرض دی په اوسنی اصطلاح سره داوا ه مرضونه په مختلف امانکو او مختلف زمانو کی بیدلگی ی او بیدل شوئ. دوه ضرور د حطی اوقیمتی ده چی داوا ه فتنی له زنا او فحشا خه رامن ته کی ی لکه چ پدی ورسنیو قرونونکی هر چاته معلومه شوی ده په هر انداز چ زنا او فحشا بیروی ی په هغه پیمانته انسانان دستونزورن □ حطی او قیمتی سره مخامخ کی ی په داسی حال کی چ اسباب درزق لری لکه زراعت تجارت پوه زره په فنی تو ه زیاتو ی خوسره له دی ولو کو ونوشو بیاهم دستونزرو و حطیو مخه نشی نیولی کیدی لکه چ په حدیث شریف کی راغلی (په کوم ای کی چ زنا □ بیره شسی حطی ور خه بیدلگی ی او که رشوت یرشی ویره په مخلوق کی بیدلگی ی).

## شراب از منظر شریعت اسلام

شراب این ماده ای که انسان را به حالت مستی درمی آورد ولو از نعمت ادارک و فهم دور می سازد ضررهای جسمی، عقلی، روحی، دینی و دنیایی آن به قدری واضح است که شاید احتیاج به بحث و گفتگو دربارہ زین ویدبختیهای که در اثر آن دامن گیر جامعه، خانواده ها و افراد می گردد نباشد. چه بسا، کانونهای گرم خانواده، دوستی و بیوند ها را از هم پاشیده ویا آنها را به نابودی تهدید می نماید. یکی از محققین چه قدر زیبا گفته است: "ضربه شدیدی که انسان از شراب خورده در طول تاریخ از هیچ چیز دیگر نخورده است" اگر امارد قبیتی از بیمارستانها تهیه شود و تعداد افرادی که در اثر نوشیدن شراب به امراض گوناگونی از قبیل جنون، ناراحتیهای روانی، عصبی، زخم معده و... مبتلا می شوند مشخص گردد و معلوم شود که خود کشی های ناشی از این ماده لعنتی چه رقم بالایی دارد و اشخاصی که از این بابت تمام هستی خود را از دست می دهند و در متجارب بدبختی غرق می شوند تا چه حد زیاد است و اگر این آمار در اختیار عموم قرار داده شود آن گاه تصدیق خواهد صورت گرفت که به سه هزاندازه علیه شراب خواری و قباحیت آن تبلیغ شود باز هم کم است و این تبلیغ در مقابل ضرر و زیانی که شراب به جامعه و افراد آن وارد می سازد بسیار ناچیز است.

هر گاه شخص مواد مسکره یا مخدره را به اراده خود استعمال نموده مرتکب جرم گردد مسعول شناخته شده چنان پنداشته میشود که جرم را در حالت ادراک و شعور کامل مرتکب گردیده است.